

## شعر و اجتماع\*

مسأله‌ی هنر و سیاست بی‌شک مسأله‌ی مهمی است. از هر چه سخن بگوییم باز سر همین مطلب بر می‌گردیم و هرگز هم تا حد صراحت نمی‌رسیم. به نظر من گره این مشکل به دست شاعران گشوده می‌شود. گمان نمی‌کنم بشود در این مورد دستور العملی به آن‌ها داد. شاعران گریزی جز این ندارند که شعر خوب به ما عرضه کنند. اما معیار شعر خوب چیست؟ و چگونه می‌توان به دستش آورد؟ خواهید گفت: تنها راه درست برای یافتن چنین معیاری اینست که وجه مشترک تمام اشعاری را که تا امروز به عنوان شعر خوب شناخته شده‌اند، جستجو کنیم. تا آن‌جا که می‌دانم وجه مشترک شعرهای خوب اینست: شعر خوب غیر از تأثیر و رنگ و بویی که از اشعار خوب پیشین پذیرفته است، از جهتی هم دارای ارزشی است مافوق همه‌ی آن‌ها: در یک شعر خوب می‌توان تأثیر و انعکاس جنبش‌های فکری معاصر را یافت و به علاوه شعر با قدرتی که دارد به این افکار صراحت و عمق و غنای بیش‌تری می‌بخشد. یک شعر خوب علاوه بر دارا بودن جنبه‌هایی که آن را در سطح بالاتری از ذوق‌های پست قرار می‌دهد، نمونه‌ی با ارزشی است از دید و برداشت انسانی، طرح، موضوع، بیان و فکر. یک شعر خوب از خواست‌ها، رنج و شادی‌های تازه‌ی اجتماعی که در طلب حقوق خود است سخن می‌گوید، به صراحت یا به کنایه، پراکنده و یا یک‌جا. شعر خوب راه زمان خود و اجتماعی را که در آن

---

\* - مقاله‌ی «شعر و اجتماع» را با استفاده از کتاب «هنر شعر» تألیف یاشار نبی- مقاله‌ی

صلاح الدین ایوب اوغلو- چاپ استامبول نوشته است.

زندگی می‌کند به اندازه‌ی یک سیاست‌مدار، حتا گاهی بیش‌تر و بهتر از او، می‌شناسد.

باید گفت چنین شناسایی قالب و فرمول بخصوصی نمی‌تواند داشته باشد که به درد تمام دوران‌ها بخورد. از این جاست که گفته می‌شود یک شاعر خوب باید خواست‌های رهبران و سیاست‌مداران را درست مثل همه‌ی هموطنان دیگرش بداند و احساس کند و در ترویج آن‌ها بکوشد.

یک سیاست‌مدار خواه ناخواه بیش‌تر، از یک شاعر انتظار هم‌فکری دارد تا از یک معمار، موسیقی‌دان، دوزنده و کفاش، چرا که شعر گذشته از هر چیز، کلام است و کلام قطعی‌ترین ابزار انتقال فکر به دیگران است. فکر زاییده‌ی هر چه باشد. چنان که گروهی از متفکران برآنند که اثر و انعکاس مسلم محیط خارج است. بیش‌تر و بهتر از همه به وسیله‌ی کلام منتقل می‌شود.

سختی کار این جاست که یک سیاست‌مدار که مثل دیگر هم‌وطنانش پشت میز مدرسه نشسته، سخنان و گاه آرزوهای سرکوفته‌ای دارد خارج از هنر شعر و شاعری. او شاعری را که خود نمی‌پسندد یا نمی‌فهمد و بر او رشک می‌برد، با شمشیر بر آن سیاستش می‌تواند دو نیم کند.

شاعر نیز مجبور است با آگاهی و کیل مدافع خود باشد. در حالی که یک شاعر خوب با این که مجبور است خواست‌های مردم را مثل دیگران دریابد، نمی‌تواند در کار هنری اش از هر کسی دستور کار قبول کند. می‌گویم در کار هنری اش، وگرنه در مسائل عقیدتی و این‌ها شاعر هم می‌تواند مثل هر روشن‌فکری طرفدار جمعیت یا ایدئولوژی خاصی باشد. امروزه دیگر هر شاعر خوبی می‌خواهد به نحوی با سخن و شعرش قاتی جنبش‌های اجتماعی و مسائل سیاسی شود.

آن کدام شاعر بزرگی است که به حادثه‌ها و خبرهای روزنامه‌ها بی‌اعتنا مانده باشد و مثل یک کارمند بازنشسته به گوشه‌ی دنجی کشیده شده باشد و به این قناعت کند که آثار بی‌بو و خاصیتی پس بدهد و «اشعار مشعارش» چیزی در ردیف اشیای تفننی و لوکس و زینتی باشد؟

در این صورت شاعری که اجتماع انسان ها را سر خود ول می کند- در عصری که انسان ها برای نوسازی زندگی به پا خاسته اند و با فهم تازه ای در پی همبستگی هستند- توجه چه کسی را جلب خواهد کرد؟

دیگر گذشت آن روزهایی که شعر تنها برای تفنن بود و چیزی در ردیف مزه ی بساط عرق و غیره و در حاشیه ی ساز و مرفان و مجالس و برنامه هایی از نوع «گل های جاویدان» و این ها. ما شاعری را نمی خواهیم که آرزو کند «کاش ماهی سرخ رنگ توی بطری عرق بودم!» و همین جا توقف کند و چشم هایش را به تمام پستی ها و آلودگی ها و حوادث دیگر دور و برش کور کند. هم چنین شاعری را لازم نداریم که امروز به طور سطحی دم از «بیأس و بیداد» می زند و فردا که پای عمل به میان آمد خود را به کوچه ی علی چپ می زند گویی که آب از آب تکان نخورده.

راستی که شعر خوب هرگز مرتکب این کثافت کاری ها نشده است.

با این همه مسأله ی اساسی شعر جنبه ی هنری آن است. شاعر اگر هنرمند نباشد، نمی تواند شعرش را با وجود دارا بودن مضمون زیبا میان مردم ببرد و جاودان کند. خلاصه آن که تنها سخن گوی فکر و عقیده ای خاص است و به خیالش که «شاعری» هم بلد است و قضیه ی هنر و این ها هم چیز سهل و ساده ای است، نه با درد سیاست می خورد و نه به درد هنر و شعر.

شاعر هم اگر می خواهد دوشادوش مهندس، دکتر، مردسیاسی و معلم به اجتماع خدمت کند باید رموز سیاست و ظرایف هنر خود را به اندازه ی آنان بداند و به کار برد. به چه درد می خورد شاعر وراج بی فرهنگ و ناآگاه از تکنیک که از دعوای به حقی با زبان الکنش دفاع کند؟

مهد آزادی آدینه

تیر ۱۳۴۵

منبع: انتشارات روزبهان سال ۱۳۴۲ مجموعه مقاله های صمد بهرنگی  
بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری